

إثنا عشر رسالة

[10] استنباط جمع فروع از ادلهء تفصيلة ومدارك اصلية أو را حاصل بوده باشد وعلومي که مادهء اجتهاد کلی است تحصیل کرده باشد وفرض مقلد اینست که جمیع فروع دین واحکام مسائل را از مجتهد که مستجمع شرایط اجتهاد وفتویست بواسطة یا پیکواسطه یا بوسیله منتزیه که همه بصفه عدالت موصوف بوده باشند اخذ نموده در عبادات ومعاملات وعقود ایقاعات وحدود وجنایات بمطنون مجتهد وقول أو عمل کند وشرط است که آن مجتهد زنده باشد چه عمل بقول مجتهد مرده جایز نیست ومقررات که إذا مات المجتهد مات قوله واین مسأله نزد علما ومجتهدين امامية رضوان الله تعالی علیهم محل خلاف نیست ودر هیچ عصر منکر اشتراط حیوة مجتهد واجب الاتباع معروف نبوده است واكثر علماء جمهور نیز بران اتفاق کرده اند وبالجمله مخالف درین مسأله نیست الا بعضی از مجاهیل علماء عامه وسر مقام آنست که چون در ظتیات خطا بر مجتهد جایز است ودر صورتی که مخطی بوده باشد نیز مثناب ومأجور وطن أو که عبارتست از اعتقاد راجح قائم بنفس مجتهد علی الاطلاق معمول به واجب الاتباع است وموت جسمانی که حقیقتش انقطاع نفس مجرده است از عالم بدن ورجوع بعالم ملکوت میقات ظهور حقیقت
